بسم‌الله الرحمن الرحیم

بسته متنی قابل‌ویرایش

هفته 77

مسجدنما

<http://MasjedNama.ir>

سلام بر شما

هر هفته با مراجعه به تارنمای مسجدنما می‌توانید بسته‌های هفتگی فرهنگی ویژه همان ایام را دریافت و در تابلوی اعلانات مسجد، مدرسه، محل کار و... خود نصب کنید. ما دنبال این هستیم که با مشارکت همه فعالان فرهنگی مسجدی، تحولی در کارهای فرهنگی و تربیتی مساجد رخ دهد و مسجد به جایگاه حقیقی خودش بازگردد، ان‌شاءالله. باشد تا با زمینه‌سازی ظهور، سربازان خوبی برای امام خویش باشیم. برای هم دعا کنیم!

ببینیم چه چیزهایی این هفته روزی‌مان شده...

# فهرست مطالب

[فهرست مطالب 2](#_Toc428952326)

[قرآن 3](#_Toc428952327)

[افتخار پوچ (1) 3](#_Toc428952328)

[اهل‌بیت 5](#_Toc428952329)

[اسراف‌کار بی‌شرف! 5](#_Toc428952330)

[امام روح‌الله 6](#_Toc428952331)

[امام عذرخواهی می‌کند؛ غیر مستضعفین نباید اظهار وجود کنند 6](#_Toc428952332)

[امام خامنه‌ای 7](#_Toc428952333)

[توبه روشنفکری و یک نعمت بزرگ 7](#_Toc428952334)

[شهدا 8](#_Toc428952335)

[یک ماه زمینه‌سازی برای یک تذکر 8](#_Toc428952336)

[یار مهربان 9](#_Toc428952337)

[یک طلبه خوب 9](#_Toc428952338)

[ایام ویژه 10](#_Toc428952339)

[جلوه انتقام و غضب اسلام؛ قتل 700 یهودی تسلیم‌شده در یک روز 10](#_Toc428952340)

[احکام 11](#_Toc428952341)

[شست پایت را بپّا! 11](#_Toc428952342)

[نیایش 12](#_Toc428952343)

[دو روی سکه تعامل با والدین 12](#_Toc428952344)

[درنگ 13](#_Toc428952345)

[بی‌خیال خدا 13](#_Toc428952346)

[روزنوشت 14](#_Toc428952347)

[روزنه‌ای برای نفوذ 14](#_Toc428952348)

[سؤالات هفته 15](#_Toc428952349)

# قرآن

## افتخار پوچ (1)

**این دیگر خیلی مسخره است که آدم پول بسیار هزینه کند و هیچ بهره‌ای نبرد، آن‌وقت با افتخار بگوید: «پول زیادی تلف کردم!»** افتخار! بله، با افتخار می‌گوید! واقعا چرا چنین می‌کند و چنان می‌گوید؟ چون می‌خواهد یک قانون مهم را دور بزند؛ یعنی **می‌خواهد از «سختی‌های دنیا» فرار کند!** چه اشتباه بزرگی!

او حاضر است ده‌ها برابر آن‌چه لازم است، خرج کند تا زندگی بی‌مشکل و بی‌رنج داشته باشد، غافل از این‌که چنین‌چیزی محال است. چون قانون این است که انسان در سختی آفریده شده و زندگی‌اش همراه با رنج و زحمت خواهد بود. **پس او هرچه تلاش و هزینه کند تا بتواند در این دنیا به آسایش مطلق برسد، بی‌راهه رفته است.**

راستی؛ نکند او که برای دنیایش این‌چنین ول‌خرجی می‌کند و به آن فخر می‌فروشد، خیال می‌کند که خدا بر او قدرت ندارد و نمی‌تواند روزگارش را سخت و تنگ کند؟ یا شاید خیال می‌کند کسی او را ندیده و نمی‌بیند که چگونه دارد سرمایه خود را تباه می‌کند؟ **وای بر او که این مال را باید در جای دیگری خرج می‌کرده ولی به انحراف رفته است...**

**سوره بلد**

لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ (1) وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ (2) وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ (3) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ في‏ كَبَدٍ (4) أَ يَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (5) يَقُولُ أَهْلَكْتُ مالاً لُبَداً (6) أَ يَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ (7)

[اى پيامبر!] **سوگند ياد نمى­كنم به** [مکه،] **اين شهر** [شكوهمند] **(1) درحالى‌كه تو در اين شهر** [باعظمت**‏**] **جاى دارى (2) و سوگند یاد نمی­کنم به** [ابراهيم،] **آن پدر فرزانه و زاده­اش** [اسماعيل، آن فرزند مبارك؛ همانان که این شهر را بنا کرده­اند] **(3) كه ما انسان را آفريده و حياتش را با رنج و محنت آميخته­ايم.** [او نعمتي از نعمات دنيا را طلب نمي‌كند، مگر اين‌كه مي‌خواهد طيب و لذت آن خالص و محض باشد و به چيزي از نعمات دنيا دست نمي‌يابد، مگر اين‌كه ممزوج با امری است كه خلوص عيش و لذت آن را بر هم مي‌زند. گذشته از حوادثي تلخ كه براي انسان اتفاق مي‌افتد و او را به رنج مي‌اندازد.] **(4)** **آيا او** [با وجود اين‌كه خود را مغلوب ناگواری‌ها مى­بيند،] **گمان مى­كند كه هرگز كسى بر او قدرت نخواهد داشت** [و روزهای سختی و تنگدستی برای او نخواهد بود؟] **(5)** [مال و ثروت خویش را بیهوده صرف کرده است و با افتخار] **مى­گويد: مال فراوانى تباه كرده­ام! (6) آيا مى\*\*\*\*\*\*‌پندارد كه هيچ‌كس او را نديد؟ (7)**

# اهل‌بیت

## اسراف‌کار بی‌شرف!

**«بی‌شرف مرض دارد!» این ناسزا نیست، بلکه طبق روایات، سزاوار اوست.** بله، چون‌که می‌داند اسراف فقر می‌آورد[[1]](#footnote-1) و کم‌ترین حد آن «دور ریختن آب نیم‌خورده» و «پوشیدن لباس بیرون، در خانه» است[[2]](#footnote-2)، اما باز هم این‌کار را انجام می‌دهد!

چرا؟ چون مرض دارد! چون بیمار است! **چون خیال می‌کند اگر این کار را بکند، شرافتی به دست می‌آورد و نزد مردم احترام پیدا می‌کند.** این همان انسانی است که در سوره بلد با افتخار می‌گفت: «مال زیادی تباه کرده‌ام!» اما بدجوری بی‌راهه رفته است. چون:

**لَيْسَ فِي سَرَفٍ شَرَفٌ**

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): در اسراف، شرافتی نیست. (تصنيف غررالحکم و درر الكلم، ص: 359)

# امام روح‌الله

## امام عذرخواهی می‌کند؛ غیر مستضعفین نباید اظهار وجود کنند

و اما اشتباهى كه ما كرديم اين بود كه به‌طور انقلابى عمل نكرديم و مهلت داديم به اين قشرهاى فاسد... اگر ما از اول كه رژيم فاسد را شكستيم و اين‏ سد بسيار فاسد را خراب كرديم، به‌طور انقلابى عمل كرده بوديم، قلم تمام مطبوعات را شكسته بوديم و تمام مجلات فاسد و مطبوعات فاسد را تعطيل كرده بوديم، و رؤساى آن‌ها را به محاكمه كشيده بوديم و حزب‌هاى فاسد را ممنوع اعلام كرده بوديم، و رؤساى آن‌ها را به سزاى خودشان رسانده بوديم، و چوبه‏هاى دار را در ميدان‌هاى بزرگ برپا كرده بوديم و مفسدين و فاسدين را درو كرده بوديم، اين زحمت‌ها پيش نمى‏آمد. من از پيشگاه خداى متعال و از پيشگاه ملت عزيز، **عذر مى‏خواهم،** خطاى خودمان را عذر مى‏خواهم. ما مردم انقلابى نبوديم، دولت ما انقلابى نيست، ارتش ما انقلابى نيست، ژاندارمرى ما انقلابى نيست، شهربانى ما انقلابى نيست، پاسداران ما هم انقلابى نيستند؛ من هم انقلابى نيستم**. اگر ما انقلابى بوديم، اجازه نمى‏داديم اين‌ها اظهار وجود كنند.** **تمام احزاب را ممنوع اعلام مى‏كرديم. تمام جبهه‏ها[ی سیاسی] را ممنوع اعلام مى‏كرديم. يك حزب، و آن «حزب‌الله»، حزب مستضعفين.**

صحيفه امام، ج‏9، ص: 282- به مناسبت سالروز برخورد قاطعانه پیامبر رحمت در قتل 700 یهودی تسلیم‌شده (بنی‌قریظه) در یک روز به جرم فتنه‌ (و نه قیام علیه حکومت اسلامی)

# امام خامنه‌ای

## توبه روشنفکری و یک نعمت بزرگ

بهترین سال‌های جوانی‌ام با محبت و ارادت به آن جلال آل قلم گذشته است... «در خدمت و خیانت روشنفکران» نشان‌دهنده و معیّن‌کننده‌ شخصیت حقیقی آل احمد است. در نظر من، آل‌احمد، شاخصه‌ یک جریان در محیط تفکر اجتماعی ایران است. تعریف این جریان، کار مشکل و محتاج تفصیل است. امّا در یک کلمه می‌شود آن را «توبه‌ روشنفکری» نامید. با همه‌ بار مفهوم مذهبی و اسلامی که در کلمه «توبه» هست. **جریان روشنفکری ایران که حدوداً صدسال عمر دارد با برخورداری از فضل** **«آل‌احمد» توانست خود را از خطای کج‌فهمی، عصیان، جلافت و کوته‌بینی برهاند و توبه کند**: هم از بدفهمی‌ها و تشخیص‌های غلطش و هم از بددلی‌ها و بدرفتاری‌هایش. آل‌احمد، نقطه‌ شروع «فصل توبه» بود. و کتاب «خدمت و ...» پس از [کتاب]«غربزدگی»، نشانه و دلیل رستگاری تائبانه.

وجود چنین کسی برای یک ملّت که به سوی انقلابی تمام‌عیار پیش می‌رود، نعمت بزرگی است. و **آل‌احمد به‌راستی نعمت بزرگی بود. حداقل، یک نسل را او آگاهی داده است**. و این برای یک انقلاب، کم نیست.

**مسکوت ماندن جلال، تقصیر شماست** ـ شمایی که او را می‌شناسید و نسبت به او انگیزه دارید...

امام خامنه‌ای| 15/11/1370

# شهدا

## یک ماه زمینه‌سازی برای یک تذکر

صبر و تحمل شهید قدوسی در اصلاح و برطرف کردن ضعف‌های اخلاقی افراد، از شمار ویژگی‌های بارز این شهید بزرگوار بود. گاهی به‌جای این‌که در یک جمله به کسی بگوید این‌طور باش، ساعت‌های طولانی و حتی روزها برای اصلاح او وقت صرف می‌کرد. خود می‌گفت: «**گاهی برای این‌که یک تذکر اخلاقی به فرزندم بدهم، یک ماه زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی می‌کنم**». این دقت و صبر، نشان‌دهنده اهمیت چگونگی تربیت و برخورد با دیگران، به‌ویژه نوجوانان و جوانان است.

**آیت‌الله شهید قدوسی**

# یار مهربان

## یک طلبه خوب

**«سیمای آرمانی طلبه در نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»**

تألیف: محمد عالم‌زاده نوری، ناشر: بوستان کتاب، قطع: رقعی، 192 صفحه: 9000 تومان.

خرید اینترنتی: http://bookroom.ir/book/17207

حوزه‌ علمیه برای ایفای رسالت تاریخی خود در عصر امام خمینی(ره)، ناگزیر باید در نخستین گام، به ترسیم مطلوب‌ها و ایدئال‌ها بپردازد و نمونه اعلای طلبه را در ابعاد آموزشی و پرورشی تصویر کند. لازم است نقش طلبه در اجتماع و سهم او در جامعه‌سازی و تاریخ‌سازی، بازتعریف شده، الگوی ناکارآمد گذشته ترمیم یا تکمیل گردد؛ طلبه امروز باید متناسب با نیازهای متغیر این زمان و تحولات شتابنده تاریخی تربیت گردد. این دفتر در جست‌وجوی «سیمای آرمانی طلبه» و «نظام‌واره طلبه مطلوب» از منظر رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای گردآمده است. فصل آخرین این اثر به بایسته‌های اقشار حوزوی؛ مبلغان، محققان و ائمه جماعات اختصاص دارد.

# ایام ویژه

## جلوه انتقام و غضب اسلام؛ قتل 700 یهودی تسلیم‌شده در یک روز

قبیله یهودی بَني‌قُرَيْظه در جنوب‌شرقی مدینه، در دوران انتظار پیامبر آخرالزمان به کشاورزی (و جدال‌های داخلی در مدینه) مشغول بودند، او را شناختند، ولی چون او را از نسل هارون نیافتند، ایمان نیاوردند. به‌هرحال، رسول رحمت بین گروه‌های مختلف آشتی برقرار کرد و پیمان صلح بست. اما یهودیان یکی پس از دیگری پیمان شکستند. فقط **بنی‌قریظه مانده بود که در زمان جنگ احزاب به خیال پیروزی سپاه کفر، دست به توطئه و تضعیف روحیه مسلمانان زدند** و البته پیامبر رحمت در مورد آنان، [به تعبیر امام روح‌الله، **همان كاسب‌هايى كه الآن هم دنباله آن‌ها صهيونيست‌ها هستند**] امر فرمود تمام آن‌ها را گردن زدند تا اين ماده سرطانى موجب فساد را از بين برداشتند؛ **هفت‌صد نفر را در یک روز کشت و هیچ ملاحظه وجاهت اسلام در خارج کشور را نکرد**. داستان ازاین‌قرار است همان روز آخر جنگ احزاب، پیامبر به‌سوی آنان لشکر کشید، بازهم ایمان نیاوردند. پس از 15 روز محاصره، تسلیم شدند. خودشان سعدبن‌معاذ (هم‌پیمان دوران جاهلی) را به داوری انتخاب کردند و او حکم به **قتل مردان، اسارت زنان و کودکان و ضبط اموال** داد؛ حکمی الهی که مطابق تورات هم بود.

# احکام

## شست پایت را بپّا!

سجده که می‌رود، انگشتان پایش را طوری خم می‌کند که یا روی انگشتانش به زمین می‌چسبد و یا پشت آن!

برای سجده لازم است نوک شست پا حتماً روی زمین باشد ولی نسبت به بقیه انگشتان وظیفه خاصی ندارد.

(اجوبة الاستفتائات، سؤالات جدید در باب سجده)

# نیایش

## دو روی سکه تعامل با والدین

**اَللَّهُمَّ اجْعَلْنى**

**اَهابُهُما هَيْبَةَ السُّلْطانِ الْعَسُوفِ،**

**وَ اَبَرُّهُما بِرَّ الْاُمِّ الرَّؤُوفِ**

**خداوندا چنان كن كه**

**از هيبت پدر و مادرم چون از هيبت سلطان خودكامه بيمناك باشم،**

**و به هر دو چون مادرى مهربان نيكى نمايم**

**امام سجاد این‌گونه دعا می‌کردند.**

**(دعای 24 صحیفه سجادیه)**

# درنگ

## بی‌خیال خدا

**شهادت حاج محسن وزوایی جزو برنامه بود!**

**"فدات بشم داداش! تمنا می‌کنم یه کم با من حرف بزن. اصلاً قرارمون این نبود... شبی نبود که تا صبح بیدار نمونی. به بچه‌هایی که در خواب بودند، سر می‌زدی و پتو روشون می‌کشیدی. پوتین‌هاشون رو واکس می‌زدی و گاهی لباس‌هاشون رو می‌شستی. اما این چیزها رو کسی نمی‌دونست..."**

**اصلاً بزرگ‌ترین اشتباه این است لحظه‌ای فکر کنیم «می‌شود این چند لحظه، بی‌خدا کار کرد.» اگر دنبال بهترین‌ها هستید، بی‌خیال بدترین‌ها شوید، خدا همیشه در بهترین‌هاست.**

 **همه‌کاره دنیا اوست.**

**"به خودش نهیب زده بود که: «داداشی! ما کار کوچکی نکردیم. بالای نرده‌های سفارت که بودم احساس کردم فرشته‌های هفت‌آسمون دارن نگاه‌مون می‌کنن... ما یا از راه این نرده‌ها به آسمون چنگ می‌زنیم یا با کله می‌ریم ته جهنم...»"**

**کسانی که برای لحظه‌ای بی‌خیال خدا نمی‌شوند، قبل و بعد مرگشان هم بهترین‌ها را می‌خواهند، یعنی برنامه‌ریزی‌شده حرکت می‌کنند.**

**"**اگر نتوانستید جنازه‌ام را به عقب بیاورید آن را به روى مین‌هاى دشمن بیندازید تا اقلاً جنازه من کمکى به اسلام کرده باشد.**"**

# روزنوشت

## روزنه‌ای برای نفوذ

توافقی شد بر سر مسائل هسته‌ای. خوب یا بد، مهم است، ولی فعلاً کاری با آن نداریم. حدود دو ماه از نهایی‌شدن سند برجام می‌گذرد. **هنوز نه چیزی به بار است و نه به دار!** **ولی در همین فاصله کوتاه در مملکت‌مان اتفاقاتی سلسله‌وار رخ داده که هر دلی را مضطرب می‌کند و هر دست‌وپایی را لرزان**: زمزمه‌های راه‌اندازی رستوران‌های مک‌دونالد، استقبال از هیئت‌های مختلف کشورهای غیردوست با آن لباس‌های غیررسمی و مسخره‌شان(!)، ورود خبرنگاران شبکه جاسوسی بی‌بی‌سی، بازگشایی سفارت روباه پیر خبیث، قرارداد با شرکت‌هایی که در گذشته با ترک کشور به ما لطمه زدند و... نگرانی را به جان دلسوزان ایران و اسلام می‌اندازد.

**نگران می‌شویم از این‌که نکند توافقمان آن‌قدرها هم هسته‌ای نبوده!** یا این‌که نکند کشورهای خط مقاومت خیال کنند پشتشان خالی شده. یا این‌که گرگ استکبار روزنه‌ای برای نفوذ و راهی برای پنجه کشیدن پیدا کند و سرنوشتمان چیزی شود شبیه عراق و سوریه و یمن و... یا بدتر از همه این‌که اسلاممان آمریکایی شود و توکلمان بر غیرخدا!

**حتی اگر این پیمان اجرایی گردد، راه انقلاب، راه استکبارستیزی، برائت از مشرکان و حمایت از مستضعفان است.** امیدواریم با اصلاح این روند اشتباه، هر چه سریع‌تر از نفوذ دشمن به اردوگاه اسلام جلوگیری به عمل آید.

# سؤالات هفته

**1- (قرآن) انسانی که می‌گوید: «مال زیادی را تباه کرده‌ام» چه احساسی دارد؟**

o الف) پشیمانی

o ب) افتخار

o ج) نگرانی

**2- (روایت) کمترین حد اسراف چیست؟**

o الف) دور ریختن آب نیم‌خورده

o ب) پوشیدن لباس بیرون، در خانه

o ج) هردو مورد

**3- (روزنوشت) با انجام توافق هسته‌ای چه تغییری در مسیر انقلاب اسلامی و شعارهای آن رخ میدهد؟**

o الف) هیچ تغییری رخ نمی‌دهد.

o ب) شعارهای استکبارستیزی حذف می‌شود.

o ج) حمایت انقلاب از مستضعفین جهان قطع می‌شود.

**4- (احکام) کدام نقطه از بدن هنگام سجده حتماً باید روی زمین باشد؟**

o الف) نوک شست پا

o ب) نوک همه انگشتان پا

o ج) آرنج دست

1. الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏4، ص: 53 [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة، ج‏5، ص: 51 [↑](#footnote-ref-2)